قرینه متصله لحظه زوال در روایت حمام بر عدم کاشفیت هلال دیشب

(49:34)

خب برای یک شنبه عرض کنم؛ سید می‌فرمایند: روایت حمام شارح روایت عبدی است. حتی روایت عبدی می‌فرماید: «هذا الیوم من شوال» یعنی «هذا الیوم الذی نظن ان الهلال کان فی لیلته موجود من شوال». این مبنای سید است. این را شارح می‌گیرند. سؤال من این است: سید این را از کجا گرفته‌اند؟ دیروز عرض کردم به گمانم از قرینه منفصله گرفته‌اند. سؤال این است که اگر قرینه داخلیه متصله داشته باشیم، بر این قرینه منفصله مقدم می‌شود یا نه؟ خب در روایت حمام قرینه متصله داریم یا نداریم؟ قرینه متصله بر اینکه برای شب قبل نباشد. این را قبلا عرض کردم. عرض من این است که اگر لسان روایت حمام با قرینه منفصله، مبنای سید شود، حضرت باید به این صورت بفرمایند: «ان رئی الهلال صدر النهار فهو للیلة المضیة، و ان رئی آخر النهار...» کما اینکه در روایت دیگری بود. اگر به این صورت فرموده بودند معلوم بود که حضرت می‌فرمایند امارة است. اما در روایت چه چیزی را میزان قرار می‌دهد؟ یک لحظه را. قبل از زوال و بعد از زوال. زوال یک لحظه است. شما باالدقه اگر یک دقیقه قبلش دیدید، می‌گویید «هذا الیوم من شوال». اگر یک دقیقه بعدش دیدید می‌گویید «هذا الیوم من شهر رمضان». خود اینکه یک لحظه نمی‌تواند امارات پیدا کند، قرینه متصله و کاشف از این است که مقصود گوینده این کلام، امارات از دیشب نبوده است. اگر مقصود امارات بود باید می‌گفت: «صدر النهار».

شاگرد: بُرُش را گفته است.

استاد: این جوابش است. این جواب را قبول دارم. این جواب خوب است اما راه را منحصر نمی‌کند و باعث انحصار طریق نمی‌شود.

شاگرد۲: بحث مبادی استظهار هم برای شارحیت کمک می‌کند.

استاد: بله.

شاگرد: اینکه فرمودید روایت حمام شارح باشد، ممکن است سید بگوید: دیدن هلال در روز علامت بر دخول شهر است. اگر در غروب هم دیده شود این هم علامت بر دخول شهر است. ولی بنابر تفسیری شما باید علامت ِعلامت باشد. ولی سید چنین چیزی نمی‌گویند. می‌گویند اگر در روز ببینیم علامت دخول شهر است.

استاد: آنچه دیروز من خواندم: «فلا ریب فی أنّ الظن بکون الیوم المذکور... [d1] »، ظن به یوم مذکور چه بود؟ «...غایة الامر حصول الظن بها بذلک»، ایشان روی لیلیه را می‌گویند. حال من پیدا می کنم، ایشان می گویند: این ظن می آورد به هلال لیل قبل. این علامت العلامه است. و لذا زن

سید تفاوت رویت وقت غروب با رویت قبل از زوال این است که رویت قبل از غروب قطعاً موجب دخول شهر می‌شود اما رویت قبل از زوال ظن می‌آورد به این که شهر داخل شده.

شاگرد: تفسیر محتمل دیگر این است که علامیت در وقت غروب قطعی است اما اگر در روز ببینیم علامیتش ظنی است. نه اینکه علامت علامت باشد، بلکه خودش علامت مستقل است. یعنی رویت هلال علامت دخول شهر است، اما اگر غروب دیده شود حتماً علامت است و اگر روز دیده شود ظنا علامت است. علامت ظنی بودن آن را به‌خاطر روایت قبول می‌کنیم. عرض من این است که تفسیر شما از کلام سید تأکید بیشتری می‌خواهد. چون ممکن است فضای ذهن ایشان اعم از این مطلب باشد. چون روایت هم مطلق است.

استاد: من دوباره عبارت سید را نگاه می‌کنم و تأمل می‌کنم.

والحمد لله رب العالمین

[d1]??? ???

بازبینی #1
ایجاد شده 7 فوریه 2026 16:28:04 توسط ... .
به روزرسانی شده 7 فوریه 2026 16:29:10 توسط ... .